**جلسه 16**

**دو‌‌‌شنبه - 26/۰7/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به نوافل یومیه بود.

در جهت اولی تاکد استحباب نوافل یومیه را مطرح کردیم. وجهی را از مرحوم آقای داماد ذکر کردیم که فرمودند در برخی از روایات مثل صحیحه ابی‌بصیر آمده است: أن اول ما یحاسب به العبد الصلاة فان قبلت قبل ما سواها که مفهومش این است که و ان ردت رد ما سواها. این روایت معتبره ابی‌بصیر می‌فهماند که شرط قبول سایر اعمال قبول نماز هست. از طرف دیگر در صحیحه محمد بن مسلم آمده است که ان العبد لیرفع له من صلاته نصفها أو ثلثها أو ربعها أو خمسها فما یرفع له الا ما اقبل علیه منها بقلبه و انما أُمرنا من نافلة لیتم بها ما نقصوا من فریضة یا در معتبره زراره است انما جعلت النافلة لیتم بها ما یفسد من الفریضة. که می‌فرماید که در نماز فریضه حضور قلب نداشتید این مقدار از نماز مقبول نیست مگر نافله بخوانید، جبران بشوید نفس این نماز فریضه. این دو مطلب را به هم ضمیمه کرده ایشان، فرموده پس نافله شرط قبولی نمازهای فریضه ما مردمی است که در کل نماز حضور قلب نداریم؛ یا اصلا حضور قلب نداریم یا در بخشی از نماز حضور قلب نداریم. و قبولی نماز هم شرط قبولی سایر اعمال است. پس نتیجه این می‌شود که نوافل در حق نوع مردم غیر اولیاء مخلِص و مخلَص شرط قبولی سایر اعمال خواهد بود. و این نشانه اهمیت نوافل یومیه است.

که ما جواب دادیم؛ گفتیم به ضرورت فقه ان قبلت قبل ما سواها معنایش این نیست که اگر حضور قلب نداشتید در فرائض، نافله هم نخواندید که جبران بشود آن نقض پس دیگر اعمال شما قبول نیست. این فقهیا محتمل نیست. این محتمل نیست حتی کسی جاهل مقصر باشد، برخی از نمازهایش باطل باشد، ‌بقیه اعمالش قبول نشود. این عبارت را یا به این معنا بگیریم که کسی که تارک الصلاة است رأسا، ‌سایر اعمالش ثواب ندارد. قبلت یعنی کسی که نماز صحیح را نمی‌خواند رأسا. یا نماز نمی‌خواند یا نماز باطل می‌خواند نوعا. این بقیه اعمالش ثواب ندارد. یا مراد این باشد که کسی که شرط عام قبولی اعمال را ندارد، و لم یکن اعماله بدلالة ولی الله لم یکن له علی الله من ثواب. چون نمازش مقرون به ولایت نیست، ‌بقیه اعمالش هم حتی مستحبات توصلیه‌اش هم ثواب ندارد. ولی در مورد صحیحه محمد بن مسلم تعبیر اصلا قبول نیست؛ لیرفع له بمقدار ما اقبل علیها منها بقلبه. رفع نماز به عالم بالا این در مقابلش رد نماز و عدم قبولی نماز نیست. خب این به معنای این است که ثواب کامل را به این نماز نمی‌دهند. رفع بقول مطلق به عالم اعلی نمی‌شود اما غیر از این است که بگوییم این نماز مردود است. صحیحه محمد بن مسلم می‌گوید که اگر حضور قلب نداشتید. این نماز رفع نمی‌شود مگر نوافل را بخوانید و این نقص جبران بشود. و لذا این دو مطلب با هم مرتبط نیست.

ما عرض کردیم برخی از دوستان گفتند که از آیه انما یتقبل الله من المتقین هم استفاده می‌شود که شرط قبول اعمال تقوی است، ‌این هم محتمل نیست که بگوییم اگر کسی عادل نبود بر اعمال نیکش ثواب نمی‌دهند. پس کجا رفت فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره؟ این آیه را در روایات تفسیر کردند: یا کسانی که ایمان ندارند، ‌انما یتقبل الله من المتقین‌ای المؤمنین، یا به این معنا است، یا به این معنا است که کسانی که در عمل‌شان رعایت تقوی نمی‌کنند مثل همان کسی که دو تا انار دزدید و دو تا نان، ‌رفت به چهار فقیر تقسیم کرد، امام به او اعتراض کرد، او گفت من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء‌ بالسیئة فلایجزی الا مثلها، ‌چهار تا مال مردم را دزدیم چهار تا گناه، ‌چهار تا سیئة، ‌به چهار نفر هم صدقه دادیم، چهل تا حسنه، ‌علم ریاضیات می‌گوید که خلاصه کسر کنید، ‌منها کنید از این چهل تا چهار تا سیئه را، ‌می شود سی و شش تا، خدا بدهد برکت، ‌سی و شش تا ثواب، ‌امام فرمود انما یتقبل الله من المؤمنین. یعنی خود این کاری که می‌کنی صدقه می‌دهی به مال مغصوب خود این، گناه است. این عملت عمل بی تقوایی است. خدا این عمل را نمی‌پذیرد. و شاید در مورد قابیل هم که انما یتقبل الله من المتقین مطرح شده قابیل با یک مال غیر حلال این کار را کرد و یا مشکل ایمان داشت. بهرحال.

راجع به جهت ثانیه که عدد نوافل یومیه چقدر است، خب مشهور این است که عدد نوافل یومیه سی و چهار تا هست. ضمیمه کنیم به هفده تا عدد رکعات فرائض، سی و چهار رکعت نوافل، هفده رکعت فرائض می‌شود پنجاه و یک رکعت. بلکه ادعای تسالم شده بر این حکم که ظاهرا هم همین هست؛ مخالفی ما پیدا نکردیم.

اما روایات چهار دسته‌اند.

یک دسته همین هست که مجموع فرائض و نوافل پنجاه و یک رکعت است. مثل صحیحه فضیل بن یسار که می‌گوید و الفریضة و النافلة احدی و خمسون رکعة و روایت سهل بن زیاد از احمد بن محمد بن ابی نصر، آن هم مجموعا که امام فرمود، ‌امام رضا علیه السلام فرمود أصلی واحدة و خمسین رکعة. و در برخی از روایات صحیحه هم هست که سنّ رسول الله النافلة ضعف الفریضة، دو برابر فریضه. هفده دو برابر بشود می‌شود سی و چهار. این طائفه اولی.

طائفه ثانیه می‌گوید مجموع فرائض و نوافل پنجاه رکعت است. خب هفده رکعت نماز فریضه را که نمی‌شود کم کرد، پس نوافل شدند به جای سی و چهار تا، ‌سی و سه تا. صحیحه معاویة بن عمار: کان فی وصیة النبی لعلیّ علیه السلام یا علی!‍ أوصیک فی نفسک بخصال فاحفظها عنی ثم قال اللهم أعنه ... و السادسة الاخذ بسنتی فی صلاتی و صومی و صدقتی اما الصلاة فخمسون رکعة. روایت محمد بن سنان از ابن مسکان از محمد بن ابی حمزة سألت اباعبدالله علیه السلام عن افضل ما جرت به السنة من الصلاة قال تمام الخمسین. صحیحه حنان بن سدیر: سأل عمر بن حریث اباعبدالله علیه السلام و انا جالس. فقال جعلت فداک! اخبرنی عن صلاة رسول الله صلی الله علیه و آله! فقال کان النبی یصلی، ‌خوب دقت کنید ببینید چند رکعت می‌شود! ثمان رکعات الزوال و اربعا الاولی، یعنی نماز ظهر، و ثمانی بعدها و اربعا العصر، بیست و چهار تا، و ثلاثا المغرب و اربعا بعد المغرب، سی و یکی، و العشاء الآخرة اربعا، سی و پنج تا، و ثمانی صلاة اللیل و ثلاثا الوتر و رکعتی الفجر، نماز شب هم یازده تا، نافله فجر هم دو تا. نماز وتیره را ذکر نکرد. وتیره نماز عشاء ذکر نشد. مجموعا شد پنجاه تا. هشت تا نافله ظهر، چهار تا خود ظهر. هشت تا نافله عصر، چهار تا خود نماز عصر. بیست و چهار تا. سه تا نماز مغرب، چهار تا نافله مغرب. سی و یکی. نماز عشاء، سی و پنج شد. نافله شب هم یازده تا. نماز صبح و نافله صبح هم چهار تا. پانزده با آن سی و پنج تا، شد پنجاه تا.

[سؤال: ... جواب:] امام نعوذ بالله؟ ... راوی. خب مگه فقط این روایت است؟ چندین روایت بود.

مجمع البیان: محمد بن الفضیل عن ابی الحسن علیه السلام فی قوله تعالی و الذین هم علی صلاتهم یحافظون قال اولئک اصحاب الخمسین صلاةً من شیعتنا.

در معتبره حماد بن عثمان می‌گوید سألت اباعبدالله علیه السلام عن صلاة رسول الله صلی الله علیه و آله بالنهار قال و من یطیق ذلک؟ پیغمبر خیلی نماز می‌خواند، کی تحمل دارد؟ حالا نوافل یومیه را حضرت دارد بیان می‌کند، و لکن ألا اخبرک کیف اصنع انا؟ امام صادق علیه السلام فرمود خب خودم بگویم چه کار می‌کنم؟‌ فقلت بلی. خب فقال ثمانی رکعات قبل الظهر و ثمان بعدها قلت فالمغرب؟ قال اربع بعدها. قلت فالعتمة؟ یعنی فالعشاء، یعنی بعد از نماز عشاء، چی؟ قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصلی العتمة ثم ینام. پیغمبر نماز عشاء را که می‌خواند دیگه بعدش نماز نمی‌خواند؛ می‌رفت می‌خوابید. پس نافله عشائی دیگه در کار نیست. این هم طائفه دوم.

طائفه سوم:

روایاتی است که مفادش این است که نوافل یومیه بیست و هفت رکعت است. معتبره زراره:‌ قلت لابی عبدالله علیه السلام ما جرت به السنة فی الصلاة؟ آنی که سنت در نماز بر او جاری شده چیه؟ فقال، ‌خوب دقت کنید! ثمان رکعت الزوال و رکعتان بعد الظهر و رکعتان قبل العصر و رکعتان بعد المغرب و ثلاث عشر رکعة من آخر اللیل منها الوتر و رکعتا الفجر. شد بیست و هفت تا. چهار تا از عصر برداشتند و نافله عشاء را هم برداشتند، دو تا هم از مغرب برداشتند.

[سؤال: ... جواب:] نه. منها الوتر و رکعتا الفجر. سیزده رکعت آخر شب، یازده رکعت نماز شب را حساب کردند و دو رکعت نماز فجر را. که حالا... نه و رکعتا الفجر دیگه. ... می‌شود بیست و هفت.

قلت فهذا جمیع ما جرت به السنة؟ فقال نعم. همه سنت نماز همین است، ‌بیشتر نیست؟ حضرت فرمود بله.

خب صحیحه أخرایی هم دارد که خلاصه‌اش را می‌گویم. می‌گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم که من مرد تاجری هستم، رفت و آمدم زیاد است، خب من چه کار کنم، ‌خلاصه سبک بگیر بر من! مقصود این بود. ظاهرا این بود. بعد امام به او که یاد داد آخرش فرمود فتلک سبعة و عشرون رکعة سوی الفریضة. به همان وزان روایت قبلی. بعد فرمود انما هذا کله تطوع و لیس بمفروض ان تارک الفریضة کافر و ان تارک هذا لیس بکافر و لکنها معصیة. تارک فریضه کافر است ولی تارک این نوافل معصیت کرده؛‌کافر نیست. این معصیت کردن هم مثل فعصی آدم ربه فغوی است. لانه یستحب اذا عمل الرجل عمل الخیر ان یدوم علیه.

صحیحه عبدالله بن سنان هم می‌گوید لاتصل اقل من اربع و اربعین رکعة. در شبانه روز کمتر از چهل و چهار رکعت نخوان! خب هفده رکعتش که نماز فریضه است. می‌ماند بیست و هفت رکعت. چهل و چهار منهای هفده می‌شود بیست و هفت. این هم طائفه ثالثه.

طائفه رابعه می‌گوید نوافل یومیه بیست و نه رکعت است. معتبره ابی بصیر سألت اباعبدالله علیه السلام عن التطوع باللیل و النهار فقال الذی یستحب ان لا یقصر عنه ثمان رکعات عند زوال الشمس و بعد الظهر رکعتان و قبل العصر رکعتان و بعد المغرب رکعتان و قبل العتمة رکعتان. خب حساب کنید دیگه. ثمان رکعات عند زوال الشمس، نماز های مستحب را دارد می‌گوید، ‌هشت رکعت، بعد از الظهر رکعتان و قبل العصر رکعتان، چهار رکعت. می‌شود دوازده رکعت. و بعد المغرب رکعتان و قبل العتمة رکعتان. می‌شود شانزده. و من السحر ثمان رکعات ثم یوتر و الوتر ثلاث رکعات مفصولة ثم رکعتان قبل صلاة الفجر. این هم که سیزده. به علاوه او بشود، ‌می شود بیست و نه.

و روایات دیگری هست. روایت یحیی بن حبیب یا یحیی بن ابی حبیب است که افضل ما یتقرب به العبد الی الله من الصلاة ست و اربعون رکعة، فرائضه و نوافله. چهل و شش منهای هفده رکعت فریضه می‌شود بیست و نه.

مرسله صدوق که خیلی واضح است. امام هم می‌گوید قال های صدوق را من قبول دارم این هم از آن قال های صدوق است. قال ابوجعفر علیه السلام کان رسول الله صلی الله علیه و آله لایصلی بالنهار حتی تزول الشمس. این روایت مفصل است و خلاصه می‌گوید پیغمبر بیش از بیست و نه رکعت نافله نمی‌خواند. نافله عشاء هم نمی‌خواند. فاذا سقطت الشفق صلی العشاء ثم آوی الی فراشه و لم یصل شیئا حتی یزول نصف اللیل.

[سؤال: ... جواب:] نه. روزها خیلی نماز می‌خواند. بعد از نماز عشاء آوی الی فراشه تا نصف شب.

خب این هم بیست و نه رکعت حساب می‌شود.

یک روایتی هم هست این سندش صحیح است بخوانم. عبدالله بن زراره می‌گوید امام صادق به من فرمود اقرأ منی علی والدک السلام و قل له انما أعیبک دفاعا منی عنک. همان قضیه معروف که امام پیغام داد به زراره که من تو را مثل سفینه‌ای می‌دانم که حضرت خضر سوراخ کرد برای حفظش و من تو را عیب جویی می‌کنم برای حفظت. چون دشمن هر کس را دید که من تعریف می‌کنم نابود کرد و مردم علیه او بر خواستند. فانما اعیبک لانک رجل اشتهرت بنا و انت فی ذلک مظنون عند الناس لمودتک لنا، تا آخر می‌رسد به اینجا، می‌فرماید که فلایضیقنّ صدرک من الذی امرک ابی و امرتک به و اتاک ابوبصیر بخلاف الذی امرناک به. می‌گوید چیزهایی را ابوبصیر گفت، ابوبصیر چی گفته بود؟ گفته بود پنجاه و یک رکعت نمازهای یومیه است. همان قول اول، طائفه اولی. امام فرمود حالا ابوبصیر یک چیزی برایت نقل کرد، معانی‌ای دارد نمی‌خواهم برایت بگویم. اما آنی که من به تو می‌گویم این است، آنی که به تو می‌گویم و علیک بالصلاة الستة و الاربعین. چهل و شش رکعت نماز بخوان. و الذی أتاک ابوبصیر فله معان. آخرش می‌گوید. و تصاریف، ما یسعنا و یسعکم و لایخالف شیء منه الحق و لایضاده. اما من به تو می‌گویم چهل و شش رکعت بخوان. که همان می‌شود بیست و نه رکعت نافله، ‌هفده رکعت فریضه.

این چهار طائفه از روایات است.

به نظر ما راجع به طائفه اولی و ثانیه جزء پناه بردن به تسالم اصحاب که اصحاب نافله عشاء را جزء نوافل و رواتب می‌دانند، جزء این چاره‌ای نداریم که موافق است با طائفه اولی. چون طائفه ثانیه وتیره عشاء را حذف کرد. اگر نبود این تسالم، جمع هایی که ذکر کردند به نظر ما ناتمام است. چه جمعی ذکر کردند؟

مرحوم آقای خوئی فرموده که حمل می‌کنیم طائفه ثانیه را که می‌گوید عدد نوافل سی و سه رکعت است به این‌که می‌خواهد بگوید نافله عشاء در اصل جعل نشده بود، بدل نماز وتر است، حکمت است، نماز وتیره عشاء این است که خلاصه نمونه کوچکی است از نماز وتر شب. حکمتش هم این است که کسانی که نماز شب موفق نمی‌شوند بخوانند، خواب می‌مانند یک نماز وتیره‌ای خوانده باشند بعد از نماز عشاء. خب در صحیحه فضیل بن یسار هست: رکعتان بعد العتمة جالسا تعد برکعة مکان الوتر. دو رکعت نافله عشاء که حکم یک رکعت را دارد و لذا شد پنجاه و یک رکعت و الا نافله عشاء دو رکعت است، ‌باید بشود پنجاه و دو رکعت، چرا می‌شود پنجاه و یک رکعت؟ چون دو رکعت نشسته است، در قوه یک رکعت ایستاده است، شده پنجاه و یک رکعت. این نافله عشاء مکان الوتر است. بدل آن نماز وتر در نماز شب است. خب طائفه ثانیه جمع نکردند بین بدل و مبدل در حساب. طائفه اولی جمع کردند بین بدل و مبدل در حساب. و در روایت فضل بن شاذان اتفاقا دارد رکعتین یعنی همین دو رکعت وتیره عشاء، لیستا من الخمسین و انما هی زیادة فی الخمسین لیتم بهما بدل کل رکعة من الفریضة رکعتین من التطوع. نماز وتیره نافله عشاء جزء آن نوافل مرتبه نبود. آن‌ها سی و سه تا بود که با هفده رکعت فریضه می‌شد پنجاه رکعت. ولی شارع مقدس خواست نافله دوبرابر فریضه بشود. سی و سه تا دوبرابر هفده رکعت فریضه نیست. نافله وتیره عشاء‌ را تشریع کردند، سی و سه تا بشود سی و چهار رکعت تا بشود ضِعف فریضه.

اما این‌که پیغمیر در برخی از روایات گفتند این کار را نکرد مثل معتبر حماد که گفت کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصلی العتمة ثم ینام، نماز عشاء را می‌خواند و می‌رفت و می‌خوابید، ‌نماز وتیره نمی‌خواند ‌یا در مرسله صدوق داشت: کان یأوی بعد العشاء الآخرة الی فراشه و لم یکن به آن وتیره و یا روایت علی بن ابی حمزة مشابه این را دارد، می‌گوید عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر، فلایبیتنّ الا بوتر. معمولا به این روایت عمل می‌شود. کسی که ایمان دارد به خدا و روز قیامت این نماز وتیره عشاء را ترک نمی‌کند. قال قلت تعنی الرکعتین بعد العشاء الآخرة؟ قال نعم انهما برکعة. این دو رکعت نشسته در قوه یک رکعت است. فمن صلاهما ثم حدث به حدث مات علی وتر فان لم یحدث به حدث الموت یصلی الوتر فی آخر اللیل. اگر حادثه‌ای پیش بیاید، حالا بمیرد یا خواب بماند این ثواب نماز وتیر گیرش می‌آید. فقلت هل صلی رسول الله هاتین الرکعتین؟ قال لا. قلت و لم؟ قال لان رسول الله کان یأتیه الوحی و کان یعلم انه هل یموت فی هذه اللیلة ام لا و غیره لایعلم. فمن اجل ذلک لم یصلهما و أمر بهما.

آقای خوئی فرمودند خب این روایات مفادش این است که پیغمیر نماز وتیره عشاء را نمی‌خوانده اما منافات ندارد که مستحب باشد نافله عشاء برای عامه مؤمنین. حکمتش این است که ما ممکن است خواب بمانیم، ممکن است سخت مان بیاید نماز شب نخوانیم اما این حکمت در پیغمبر وجود نداشته، واجب بوده نماز شب بر پیغمبر، موضوع نداشته فوت وتیره عشاء.

به نظر ما این فرمایش آقای خوئی جمع عرفی درست نمی‌کند بین طائفه اولی و طائفه ثانیه. چرا؟ برای این‌که آقا! دو تا روایت است شما در کنار هم بگذارید. مرحوم نائینی به مرحوم آقای خوئی یاد داد، ایشان هم به اساتید ما یاد دادند، به ما این‌جور یاد دادند که اگر می‌خواهی تعارض بین دو خطاب مستقر است یا نه، اینها را در قوه خطاب واحد فرض کنید در مجلس واحد القاء شده. ببینید با هم عرف تنافی می‌بیند بین این دو خطاب یا نه. ما هم اینجا این قانون را تطبیق کنیم. یک طائفه، طائفه اولی بود. چی می‌گفت؟ می‌گفت سن رسول الله النوافل اربعا و ثلاثین رکعة. بزنطی می‌گفت امام رضا علیه السلام کان یأتی باربع و ثلاثین رکعة. خب دقت کنید! صحیحه فضل بن یسار می‌گفت کان رسول الله یصلی من التطوع مثلی الفریضة. پیغمبر دوبرابر نماز فریضه نماز نافله یومیه می‌خواند. هفده تا دوبرابرش می‌شود سی و چهار تا نه سی و سه تا. آن یک رکعت اضافه همان نافله عشاء است که دو رکعت نشسته را یک رکعت حساب کردند.

[سؤال: ... جواب:] مثلی الفریضة. ... نه. نماز شب که فریضه نیست. اگر این‌جور باشد، مثلی الفریضة که خیلی زیاد می‌شود یازده رکعت نماز شب پیغمبر هم جزء فریضه بیاوید. نه، مثلی الفریضة یعنی مثل فریضه شما مردم که هفده رکعت مثلین او، دوبرابر او می‌شود سی و چهار رکعت.

[سؤال: ... جواب:] جمع آقای خوئی می‌گویم عرفی نیست.

این یک طائفه. طائفه دوم می‌گوید سن رسول الله فی الصلاة [إحدی و] خمسون رکعة اما سنتی فی الصلاة فخمسون رکعة. اینها جمع عرفی دارند؟ سن رسول الله فی الله إحدی و خمسون رکعة، طائفه اولی. طائفه ثانیه: سنتی فی الصلاة خمسون رکعة.

[سؤال: ... جواب:] یک روایت می‌گوید در صحیحه فضل بن یسار پیامبر ترک می‌کرد وتیره عشاء را و این روایت صحیحه دیگر فضل بن یسار می‌گوید پیغمبر یصلی من التطوع مثلی الفریضة. دوبرابر رکعات فریضه نماز نافله می‌خواند. یکی می‌گوید سی و چهار رکعت می‌خواند، یکی می‌گوید سی و سه رکعت می‌خواند نافله.

[سؤال: ... جواب:] حالا. همه این فرمایشات شما احتمالاتی است در کلمات ذکر شده. این‌که بعضی موقع‌ها می‌خواند، بعضی موقع‌ها نمی‌خواند کلام صاحب وسائل است. همه اینها را می‌رسیم. اینها جمع عرفی نیست. یا اینی که آقایان اشاره می‌کنند می‌گوید تقریبی گفتند. تقریبی گفتند که پنجاه تا، حالا پنجاه و یکی هم به قول امروزی‌ها گِرد کرد، یا از آن ور، یصلی تطوعا مثلی الفریضة، حالا دیگه تقریبی گفتند دوبرابر فریضة، حال گیر ندهید یکیش کم و زیاد، اینها تسامح در آن می‌شود. اینها وجه هایی است که ذکر شده. یکی یکی بررسی می‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] ما عرض مان این است که این جمع آقای خوئی جمع عرفی نیست.

بله شما می‌گویید چون تسالم است بر طائفه اولی که نافله یومیه سی و چهار رکعت است باید توجیه کنیم طائفه ثانیه را؟ این جمع عرفی نشد. جمع عرفی نیست. احتمال هایی که آقای خوئی ذکر کرد، ثبوتا معقول است اما جمع عرفی نیست. احتمال های دیگر هم هست.

مثل احتمالی که مرحوم آقای داماد ذکر کرد. آقای داماد می‌فرمایند من استظهارم این است که این روایات خمسین تقیتا صادر شده. چطور؟ عامه می‌گفتند وتیره عشاء جایگزین نماز وتر شب می‌شود. و احتمالا این را به پیغمبر هم نسبت می‌دادند که پیغمیر نماز وتیره عشاء را می‌خوانده به جای این‌که اگر نماز شب موفق نشد بخواند این به جای نماز وتر شب باشد. البته ایشان می‌گوید من جایی ندیدم این مطلب را در تاریخ ولی بعید نمی‌دانم این معنا را. و این یک نقصی است برای پیامبر که بگویند پیغمبر ممکن بود خواب بماند نماز شب نخواند، نماز وتیره عشاء بجای نماز وتر شب باشد. ائمه آمدند دفع این تهمت و منقصت بکنند از پیغمبر و لذا فرمودند که پیامبر نماز وتیره نمی‌خواند و این‌که گفتند سنت پیامبر پنجاه رکعت است، فریضه و نافله، این را برای این گفتند که آن نماز وتیره را می‌خواستند نادیده بگیرند سوء استفاده نکنند عامه.

ایشان می‌گوید شاهدش این است: در موثقه سلیمان بن خالد دارد که بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز بخوان و لا تعدهما من الخمسین. مبادا این نافله عشاء را جزء آن پنجاه رکعت حساب کنی. پنجاه رکعت فریضه و نافله را جدا حساب کن. این نافله عشاء را جزء او حساب نکن. معلوم می‌شود عامه جزء او حساب می‌کردند.

انصافا این فرمایش آقای داماد به عنوان یک وجه ثبوتی محتمل است. اما این استظهاری که ایشان چیزی را در تاریخ ندیده‌اند می‌گویند ما تأمل اقتضاء می‌کند این‌جور بگوییم که عامه این دو رکعت نافله عشاء را جزء آن پنجاه رکعت حساب می‌کردند به جای نماز وتر و به پیغمبر هم نسبت می‌دادند. مستندتان چیه؟

اما راجع به این موثقه سلیمان بن خالد، و لا تعدهما من الخمسین سیأتی ان شاء الله که این ربطی به نماز وتیره عشاء ندارد. یک دو رکعتی است مستحب جداگانه. جزء سنن پیغمبر هم نیست. دو رکعت نماز مستحب بعد از نماز وتیره عشاء ایستاده مستحب است. او ربطی ندارد به وتیره. این روایت سیأتی که ربطی به بحث وتیره ندارد.

ان شاء الله بقیة الکلام فردا.